

ابعاد و ویژگی‌های مدیریت بسیجی

بهزاد کاظمی

چکیده

از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر هر جامعه و سازمان، موضوع مدیریت و مدیران است. مدیران همواره نقش مهم و حیاتی در سازمان‌ها ایفا می‌کنند. این امر تا حد زیادی به نوع و خصوصیات مدیریت حاکم و ویژگی‌های مدیران، باز می‌گردد.

ویژگی‌های برجسته ایمانی و انقلابی بسیج، تشکلی فراگیر، کارآمد، پرتوان، کم‌هزینه و پرتأثیر پدیدآورده و آن را در جایگاهی ممتاز قرار داده است که در حقیقت باید آن را یکی از پایه‌های امنیت ملی و استوانه‌های مستحکم کشور در عرصه‌های مختلف به حساب آورد.

اکنون مجموعه عظیمی از بسیجیان در مدرسه و دانشگاه، کارخانه و مزرعه، سازمان و اداره با تلاش مستمر و جدی خود میدان جدیدی در زمینه مدیریت گشوده‌اند که آینده روشن را نوید می‌دهد.

این مقاله به بررسی ابعاد و ویژگی‌های مدیریت بسیجی به صورت اجمالی پرداخته است.

کلیدواژگان: مدیریت، مدیریت بسیجی، ابعاد و ویژگی‌های مدیریت

مقدمه

انسان معاصر چنان محو هدف‌های بیرونی و ابزارهای تحقق آن‌ها شده که فراموش کرده است فلسفه اساسی او در این همه کوشش به منزله ابزاری در جهت دستیابی به یک هدف اساسی درونی است، تا جایی که «هدف» نادیده گرفته شده و ابزار جایگزین آن شده است.

این عدم تعادل و ناهماهنگی بین دو عرصه درون و بیرون، پیامدهای منفی و آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها به همراه داشته و موجب شده است تا تلاش طاقت‌فرسای بشر در عرصه بیرون در بعد فیزیکی و جسمی، نه تنها در بعد فکری موجبات سعادت و آرامش درونی انسان‌ها را فراهم نسازد، بلکه در بسیاری موارد در آن اخلال نیز وارد کند.

در این زمان که تأکید بیشتر بر تکنیک‌ها و ابزارهای مدیریتی است به عنصر «مدیریت خویشتن» نیاز است تا یک مدیر از سویی بر قوای درونی خویش تسلط یابد و از سوی دیگر راه ارتباط مؤثر و نفوذ در قلوب دیگران بر او هموار شود.

مدیریت بسیجی، که از دل انقلاب اسلامی و ارزش‌های متعالی اسلام برآمده بود، در دوران دفاع مقدس و بر اساس ضرورت‌های جبهه و جنگ به شکوفایی رسید. مدیریت بسیجی در این دوران ثمرات و برکات بی‌شماری برای ایران اسلامی از خود برجا گذاشت که تفصیل آن مجال خاصی می‌طلبد.

مدیریت بسیجی به مفهوم دقیق آن حلقه گم‌شده مدیریت امروز جامعه ما به شمار می‌آید. این نوع مدیریت که می‌توانیم آن را به عنوان شاخه‌ای از مدیریت اسلامی به شمار آوریم، از «مدیریت بر خویشتن» آغاز می‌شود و با «نفوذ در دل‌ها» راه خود را ادامه می‌دهد.

مدیریت برخویشتن به معنای کنترل رفتار خود، به منظور شناسایی و استفاده بهینه از تمامی نیروهای ابعاد وجودی خود مانند ذهنی - شناختی، روحی - روانی، عاطفی - احساسی و فیزیکی - جسمی است (رضایی‌زاده و مهاجری، ۱۳۸۵).

اولین گام در مدیریت اسلامی، مدیریت نفس خویش است و نفس متأثر از نوع نگرش‌ها و بینش‌ها و باورهاست.

نفس خود ناکرده تسخیر ای فلان	کی کنی تسخیر نفس دیگران
نفس را اول برو در بند کن	پس برو آهنگ وعظ و پند کن

اهمیت و ضرورت مدیریت برخویشتن

امروزه، «مدیریت بر قلب‌ها» از سوی مدیران تأکید می‌شود. نفوذ در دیگران، مدیریت بر قلب‌ها، ارتقا از مدیریت به رهبری و از اثربخشی به موفقیت، مستلزم «مدیریت بر خود» است.

امام علی (ع) فرمودند:

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَنْتَبِأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ (نهج البلاغه، حکمت ۷۳)؛

کسی که خود را پیشوای مردم قرار داده، باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد و پیش از آن‌که دیگران را با زبان، ادب بیاموزد، با کردارش ادب آموزد و البته آموزش‌دهنده و ادب‌آموز خود، بیش از آموزگار و ادب‌آموز مردم، شایسته تجلیل است.

اعمال مدیریت صحیح بر خود به دلایل گوناگونی حایز اهمیت است، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- (۱) مدیریت در عرصه درون، پیش نیاز مدیریت در عرصه بیرون است.
 - (۲) مدیریت خویشتن، عامل کسب مهارت‌های انسانی است.
 - (۳) مدیریت خویشتن، عامل مدیریت بر قلوب و ارتقا از مدیریت به رهبری است.
 - (۴) مدیریت خویشتن، عامل تعدیل نیروهای درونی و پیشگیری از آسیب‌های مدیریتی مربوط است.
 - (۵) مدیریت خویشتن مدیران، عامل تسهیل بالندگی کارکنان است.
- «مدیریت باور» از جمله ویژگی در زمره مهارت‌های مدیریت خویشتن است. مدیریت باور به معنای شناسایی باورهای سازنده و نیروبخش و تقویت آنها در خود و نیز شناسایی باورهای مخرب و بازدارنده و حذف، تعدیل و جایگزینی آنهاست.
- باورهای سازنده (برخلاف باورهای مخرب) نیروبخش، عامل ایجاد انگیزه و نشاط روانی، سازنده جهان درونی و بیرونی فرد و جهت‌دهنده به رفتار و هدایت‌کننده زندگی اوست (رضایی‌زاده و مهاجری، ۱۳۸۵).

تعالی معنوی و ارتباط با خدا؛ محور مدیریت اسلامی و مدیریت بسیجی

از آنجا که هدف مدیریت اسلامی هدایت و رشد انسان‌ها است، مدیر اسلامی به فراخور افراد سازمان خویش، پیوسته در پی آن است که همگام با پیشرفت مادی مؤسسه و فراهم شدن امکانات مادی برای کارکنان، به رشد و تعالی معنوی افراد سازمان نیز بیندیشد.

در مدیریت اسلامی، بیشترین اهمیت به مهارت ارتباط با خدا داده می‌شود که "تقوا" نامیده می‌شود. حتی ارزش و مقام هر کس با تقوا ارزیابی می‌گردد و با ارزش‌ترین افراد با تقواترین آن‌ها شمرده می‌شوند. اگر مدیر، مهارت ارتباط با خدا را داشته باشد، خروج از مشکلات برای وی آسان و سهل شده و بهتر می‌تواند از مشکلات رهایی یابد (ثابت‌نیا، ۱۳۸۹).

امام خمینی (ره) در این باره فرموده‌اند: تقوا برای همه کس لازم است و برای کسانی که متصدی امور کشور هستند، لازم‌تر (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۹).

و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) فرموده‌اند: "یکی از برجسته‌ترین خصوصیات ما برای فرد بسیجی قائل هستیم، عبارت است از صفا و خلوص. اخلاص و معنویت بسیجی و ارتباط با خدا در بسیجی، یک خصوصیت عمده است. بسیجی کسی است که برای ارزش‌های اسلام، اهمیت قائل است و معتقد به خدا و خاضع و خاشع در مقابل پروردگار عالمیان است. در دل، مشتاق صلاح است و می‌خواهد صالح و پاک باشد و از رذایل اخلاقی دور بماند. می‌خواهد روز به روز انس خود را با خدا بیشتر کند و بنده او باشد و بر طبق فرمان او زندگی کند. بسیجی این راه را راه سعادت می‌داند. او سعادت را در شهوات زودگذر زندگی و پوشیدن لباس الوان و رنگارنگ و قرار گرفتن در معرض دید این و آن به خاطر ارضای یک ساعته نمی‌داند. روح او با این چیزهای کوچک و حقیر، ارضا نمی‌شود؛ روح او با معارف الهی ارضا می‌گردد" (۱۳۸۴/۹/۷).

تکیه‌گاه اصلی مدیریت بسیجی را باید در اتصال بنده به مولا و ارتباط خالصانه با پروردگار متعال و اطاعت از اوامر الهی جستجو نمود. همچنانکه بانی بسیج و امام بسیجیان، حضرت امام (ره) چنین بود و مقتدای امروز بسیجیان جهان اسلام، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز چنین است.

فرهنگ و تفکر بسیجی

بسیج شجره طیبه‌ای است که ریشه در وحی الهی دارد و شاخسار آن با انوار حیات‌بخش قرآن و عترت رشد و نمو یافته و شکوفه‌های آن از عطر گلستان خاندان عصمت و طهارت معطر گشته است که ثمرات گوارا و دلپذیر آن طراوت یقین و عشق به ذات حق را جلوه‌گر می‌سازد و رایحه دل‌انگیز و روح‌افزای وصال به معشوق حقیقی را به مشام می‌رساند.

بسیجیان مخلص با پیروی از مولای خود حضرت علی (ع) که تمام وجودش وقف اسلام بود، درس پایمردی و تلاش بی‌وقفه در راه حق و خدمت به مردم را همراه با گمنامی و بی‌ادعایی آموخته‌اند و در عصر حاضر نیز با پیروی از رهنمودهای امام راحل (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خط ولایت علوی حرکت می‌کنند.

تفکر بسیجی در متن مبارزه و میدان مقابله با دشمنان ظاهری و باطنی است که مفهوم حقیقی خود را می‌یابد و در کوران حوادث جلوه بیشتری پیدا می‌کند. آمادگی و توانایی برای رویارویی تمام‌عیار با همه زشتی‌ها و همچنین اهتمام جدی برای صیانت از گوهر انسانیت در وجود انسان از شاخصه‌های ممتاز بسیج و تفکر بسیجی به شمار می‌آید که با پیروی از تعالیم انسان‌ساز و سعادت‌آموز قرآن و الگوی کامل بسیجیان، حضرت علی (ع) به دست آمده است.

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در اجتماع پرشور هزاران نفری بسیجیان در تاریخ ۹۰/۹/۶ فرمودند: "بسیج حرکتی برآمده از روح و حقیقت مکتب عاشورا است. بسیج، حرکتی مردمی است که با حضور همه قشرها، از دل ملت و برای ملت تشکیل شده و در همه عرصه‌های دفاع، علم، هنر، سازندگی، سیاست، فرهنگ، یاری مستضعفان، تولید، فناوری، ورزش، درخشش‌های بین‌المللی و در هر کار خیر، حضوری پربرکت داشته است. فرهنگ بسیجی مجموعه‌ای از معرفت‌ها،

روش‌ها و منش‌هایی است که می‌تواند مجموعه‌های عظیمی را در دل ملت‌ها به وجود آورد و تضمین‌کننده حرکت مستقیم آنها باشد. بسیج تفکری است که در خارج عینیت یافته و به واسطه فرهنگ و خصوصیاتش، می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت ایران و فراتر از ایران باشد.

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، بسیج را یک مجموعه حزب‌اللهی واقعی نامیده و در تبیین فرهنگ و تفکر بسیج خاطر نشان کردند: "بسیج سیاسی است، اما «سیاست زده، سیاسی‌کار و جناحی» نیست. بسیج مجاهد است، اما بی‌انضباط و افراطی نیست، عمیقاً متدین و متعبد است، اما متحجر و خرافی نیست، بایصیرت است، اما از خودراضی نیست، اهل جذب حداکثری است، اما غیور است و درباره اصول تسامح نمی‌کند، طرفدار علم است، اما علم‌زده نیست، اخلاق اسلامی دارد، اما این اخلاقش ریاکاری نیست، در آباد کردن دنیا فعال است، اما خود اهل دنیا نیست.

ابعاد مدیریت بسیجی

از دیدگاه اسلام شایستگی‌های مهم مدیران عبارت است از: دانش، مهارت و اخلاق؛ که می‌تواند منشأ موفقیت مدیر باشد (میرمحمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۴-۵۸).

بر این اساس اگر مدیریت بسیجی را جزء و شاخه‌ای از مدیریت اسلامی بدانیم، می‌توانیم ابعاد مدیریت بسیجی را در سه بعد دانش، مهارت و اخلاق برشماریم که هر یک از آنها دارای ویژگی‌های خاصی خواهند بود.

ویژگی‌های مدیریت بسیجی

ویژگی‌های مهمی که در ابعاد سه‌گانه مدیریت بسیجی به معنای کامل آن باید وجود داشته باشد چنین است:

الف) بُعد دانش

یکی از لوازم مدیریت صلاحیت‌های علمی مدیران است. خداوند در قرآن، طالوت را به دلیل صلاحیت علمی به فرماندهی جمعی از بنی‌اسرائیل که از ستم جالوت به ستوه آمده بودند، انتخاب می‌کند.

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره، ۲۴۷)

«خداوند او را برگزید بر شما و بیفزودش قدرتی در علم و جسم»

پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ يَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْمُسْلِمِينَ» (الحیاه، ج ۲، ص ۳۶۲)

«کسی که در اداره امور بر مسلمین سبقت بگیرد، در حالی که شایسته‌تر از خود را ببیند، به خدا و رسول و مسلمانان خیانت کرده است.»

امام صادق(ع) می‌فرماید: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا» (بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۶)

«عمل‌کننده بدون آگاهی مانند دوندۀ ای است در غیر مسیر، که سرعت او، هدف او را دورتر می‌کند.»

ویژگی‌های بُعد دانش

۱) آگاهی و تخصص کافی

مدیر بسیجی کسی است که بدون آگاهی و تخصص کافی هیچ مسئولیتی را نمی‌پذیرد و نظر به این‌که مدیریت‌ها انواع مختلفی دارند (دولتی، بازرگانی، آموزشی و ...) مدیر باید دانش خاص آن مدیریت را بداند. یعنی برنامه‌ریزی، هدایت، تصمیم‌گیری و نظارت مخصوص مدیریت موردنظر را بیاموزد.

علاوه بر این مدیر باید اطلاعات حقوقی را هم در رابطه با کارش بداند و از مقررات، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و ... در حیطه مسئولیتش آگاه باشد (میرمحمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۴-۵۸).

۲) تجربه‌آموزی

تجربه به معنی آزمون و از سنخ معرفت است. کسب تجارب از دیگران و درک تجارب خود بسیار مهم به شمار می‌آید. ما در سایه تجربه، اطلاعات خودمان را تصحیح و یا تکمیل می‌کنیم. تجربه نوعی علم است.

امام علی (ع) فرمود: «التَّجَارِبُ عِلْمٌ مُسْتَفَادٌ» (غررالحکم، ج. ۱، ص ۲۶۰)
«تجربه‌ها علمی با فایده است که از آن دانش نو به دست می‌آید».

۳) اطاعت آگاهانه

از آنجا که بسیج در اصل، خود تبلور آیه شریفه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء ۵۹) است، بدون تردید اطاعت و فرمانبرداری آگاهانه از مقام بالاتر در تفکر بسیجی جایگاه منحصر به فردی را به خود اختصاص می‌دهد زیرا در تفکر بسیجی غایت نهایی برای انسان، کسب رضایت معبود است و چنین غایتی جز با فرمانبرداری مطلق از اوامر الهی (که همانا عمل به تکلیف معین‌شده از سوی امام و ولی فقیه در زمان غیبت است)، حاصل نمی‌شود (فیروزآبادی).

ب) بُعد مهارت

توانمندی در رفتار را مهارت می‌گویند. تجلی مهارت در سوابق است مهارت می‌تواند ذهنی باشد یعنی از مقدمات ذهنی به نتایج برسد، می‌تواند روحی باشد یعنی قدرت روحی انطباق با محیط را داشته باشد و می‌تواند عملی باشد.

مهارت با معرفت، تفاوت دارد. حوزه معرفت آگاهی ذهنی است و حوزه مهارت رفتار است. در مهارت تمرین و تکرار است و به استعداد هم بستگی دارد (میرمحمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۴-۵۸).

«مهارت و کاردانی» از مشخصه‌های مفید و سازنده است که ریاست صحیح و سالم و کارآمد را به منصف ظهور می‌رساند.

مهارت و کاردانی در پرتو دانش و تجربه به دست می‌آید و از لوازم اصلی برای تحقق مدیریت‌های گوناگون در موضوع‌ها و امور مختلف محسوب می‌شود (همان).

ویژگی‌های بُعد مهارت

- ۱) استفاده از آموخته‌ها در بهبود عمل و کردار؛
- ۲) توانمندی در مهارت‌های ارتباطی و برقراری ارتباط مؤثر؛
- ۳) یادگیری مستمر و کسب اطلاعات جدید؛
- ۴) توانمندی در تفکر و هنر درک روابط بین پدیده‌ها؛
- ۵) درگیر ساختن افراد در امور و زمینه‌سازی مناسب برای دریافت تجربیات، نظرات و پیشنهادها؛
- ۶) ایجاد تعهد بیشتر در کارکنان نسبت به اهداف سازمان و بهبود رضایت شغلی آنها؛
- ۷) ایجاد تفکر و دیدگاه مشترک و کمک به افراد در انجام مسئولیت‌ها از طریق تبیین ارزش‌ها، امیدها و آرمان‌ها؛
- ۸) خطرپذیری و به استقبال خطر رفتن در اقدامات مهم و بزرگ؛
- ۹) تفویض اختیار و مسئولیت به صورت متعادل و منطقی؛
- ۱۰) سعی در تبدیل تهدیدها به فرصت؛
- ۱۱) انعطاف‌پذیری معقول در برابر تغییرات محیطی.

ج) بُعد اخلاق

اخلاق در لغت جمع خُلُق است و از ماده (خ-ل-ق) است که هم خُلُق و هم خُلُق از آن ساخته می‌شود و از یک ماده است. خُلُق ناظر به شکل ظاهری، خُلُق ناظر به شکل باطنی است. خُلُق صورت و خُلُق سیرت، خُلُق شخص و خُلُق شخصیت است.

اخلاق در لغت عبارت است از شکل باطنی انسان که در انسان‌ها متفاوت است. اخلاق در اصطلاح ملکهٔ نفسانی است و یا از فضائل سرچشمه می‌گیرد؛ مانند شجاعت و عفت، و یا از رذایل سرچشمه می‌گیرد؛ مانند کینه و بخل (جزایری، ۱۳۸۲).

شایستگی‌های روحی و معنوی در کنار دانش و مهارت مدیران یکی دیگر از لوازم استحقاق مدیریت است. خداوند به پیامبرش می‌فرماید:

«وَ أَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، آیه ۴) «همانا تو بر خلقی بزرگ آراسته‌ای.»
خداوند در جای دیگر، تندخویی را موجب پراکندگی و نرم‌خویی را موجب جذب دانسته و می‌فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِبْتَ الْقُلُوبَ لَافْتَضَوْا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران، آیه ۱۵۹)

«به واسطهٔ رحمت خداوند با مردم مهربان شدی و اگر تندخو بودی از دورت پراکنده می‌شدند.»

امام علی (ع) در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر در باره اخلاق مدیران می‌فرماید:

«وَ أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)
مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با آنها دوست و مهربان باش
(میرمحمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۴-۵۸).

ویژگی‌های بُعد اخلاق

- (۱) ارتباط با خدا، معنویت، توکل؛
- (۲) تقوا، محاسبه نفس، صفای باطنی و اخلاص؛
- (۳) انس با دعا، نماز و قرآن؛
- (۴) حسن خلق، خوش‌رویی و خوش‌گویی؛
- (۵) صداقت و هماهنگی رفتار و گفتار؛
- (۶) الگو بودن در رعایت ضوابط، نظم و آراستگی؛
- (۷) شهامت در اظهار حق و جلوگیری از تخلف؛
- (۸) مهربانی و روابط محبت‌آمیز؛
- (۹) داشتن سعه صدر، مدارا و انتقادپذیری و اعتدال در گفتار و رفتار؛
- (۱۰) احترام به کارکنان و آحاد مردم و احتراز از اهانت به اشخاص و افکار مخالف؛
- (۱۱) وجدان کاری و شادابی و نشاط در کار؛
- (۱۲) عزت نفس و بلند همتی؛
- (۱۳) شایسته‌گزینی؛
- (۱۴) عدالت‌مداری بین تمامی افراد؛
- (۱۵) ظلم‌ستیزی؛
- (۱۶) ایثارگری و از خودگذشتگی کریمانه؛
- (۱۷) کم‌توقعی و پرکاری با وجود امکانات کم؛
- (۱۸) تواضع و صمیمیت؛
- (۱۹) ابتکار و خلاقیت در بن‌بست‌ها؛
- (۲۰) جوان‌گرایی و باور کردن و استفاده از نیروی پر نشاط جوانان؛
- (۲۱) تلاش پیگیر و خستگی‌ناپذیر؛
- (۲۲) ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی؛
- (۲۳) تکلیف‌محوری؛
- (۲۴) پیشگامی در ادای تکالیف شرعی، انجام وظایف و تأثیرگذاری عملی با رفتار.

نتیجه‌گیری

مدیریت بسیجی، مدیریتی مبتنی بر معنویت اسلامی و ارزش‌های انسانی است. اولین وظایفی که امام خمینی (ره) در تفکر بسیجی مشخص کردند، ادای تکلیف بود. چیزی که یک بسیجی را به میدان عمل (چه جنگ و چه میدان‌های دیگر) می‌کشاند، انجام تکلیف است. جمله مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که: «بسیجی یعنی امام علی (علیه‌السلام) که تمام وجودش وقف اسلام بوده، الگوی عینی و شاخص کاملی را برای تفکر بسیجی در ذهن مخاطب تداعی می‌نماید.

ریشه اصلی مدیریت بسیجی، در دو اصل توحید و ولایت است. مدیریت بسیجی خودباور است و به دنبال استقلال و خودکفائی اقتصادی می‌باشد. او سعی می‌کند نیروهای خود را برای انجام کارهای بزرگ تشویق کند و زمینه را برای شکوفایی استعدادهای آنها فراهم نماید. مدیریت بسیجی در پی تحقق شعار ما می‌توانیم، می‌باشد و در موارد متعددی نیز این شعار را عملی ساخته است.

مدیریت بسیجی، ترجمانی از مدیریت اخلاقی و دینی و انقلابی است که تنها نسخه منحصر بفرد اصلاح و هدایت جوامع می‌باشد. مدیریتی زلال و پاک، با خدمات و برکاتی بی‌شمار! مدیریت بسیجی قابلیت تبدیل شدن به یک الگوی کامل مدیریتی را دارد.

بدین منظور می‌توان با انجام بررسی‌های گسترده‌تر و مطالعه بیانات حضرت امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و مصاحبه با فرماندهان و رزمندگان دفاع مقدس، اجزاء و شکل این مدل را گام‌به‌گام کامل‌تر نمود. انجام مطالعات موردی از عملیات‌ها در میدان نبرد و تبیین مصادیق کارآمدی و موفقیت مدیریت بسیجی، بر غنای علمی کار خواهد افزود. همچنین لازم است این الگو متناسب با نیازهای فعلی کشور باز تولید شود، و به شکل روزآمد با تأکید بر حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی عرضه گردد.

کتابنامه

۱. اداره عقیدتی سیاسی سپاه، مرکز مطالعات و فناوری آموزش، گزارش نهایی کمیته کارشناسی تربیت محوری، ۱۳۸۵.
۲. جزایری، سیدمحمدعلی، دروس اخلاق اسلامی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، ۱۳۸۲.
۳. رضایی‌زاده، محمود و مهاجری، علی‌اکبر، مهارت‌های مدیریت خویشتن، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت وابسته به وزارت نیرو، ۱۳۸۵.
۴. فیروزآبادی، سیدحسن، ویژگی‌های تفکر بسیجی، روزنامه رسالت.
۵. میرمحمدی، سیدداود، آسیب‌ها و نیازهای اخلاقی مدیران، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۹.
۶. نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر زهد، چاپ دوم، ۱۳۷۹.